



«شهید بهشتی از سالها قبل از انقلاب، در صدد تربیت کادری بود که بتواند به شکلی مؤثر، وظایف سترگ نهضت را به عهده بگیرند. او با روحیه‌ای خستگی ناپذیر در تمامی عرصه‌هایی که امکان فعالیت در آنها فراهم می‌شد، برنامه ریزی دقیق، ایجاد تشکیلات و کار گروهی می‌پرداخت. در این گفت‌وگو، به پاره‌ای از این فعالیتها و نیز به دیدگاه او درباره دکتور علی شریعتی پرداخته می‌شود.»

«شهید بهشتی و هدایت جریان انقلاب»
در گفت و شنود شاهد یاران با حسین مهدیان

«همراهی ارباب جراید انقلاب، مرهون روشنگریهای او بود...»

مدرسه رفاه توسط شهید بهشتی و عده‌ای دیگر از مبارزین تأسیس شد تا بسیاری از فعالیت‌های سیاسی در پوشش آن صورت بگیرند. هیئت امنای مدرسه از افرادی چون شهید رجایی، شهید باهنر و آقای هاشمی رفسنجانی تشکیل شده بودند و من هم در ترکیب آن حضور داشتم. اغلب افراد مبارز و متدین، فرزندان خود را به این مدرسه می‌آوردند و در نتیجه اکثر اولیا و مربیان با یکدیگر همفکری داشتند. اداره مدرسه و ارائه خدمات آن هم طوری بود که بارها به عنوان مدرسه نمونه معرفی شد. جلسات هیئت امنای، شهبای دوشنبه در مدرسه برگزار می‌شد. کم کم ساواک متوجه شد که مدرسه رفاه یک مدرسه معمولی نیست و در پوشش آن، مبارزات سیاسی صورت می‌گیرد، به همین دلیل غالباً مدیران و دانش‌آموزان آنجا را دستگیر و از آنها بازجویی می‌کرد. جلسات هیئت امنای مدرسه، از ترس ساواک که در رأس آن نصیری بود، به طور مخفی برگزار می‌شدند و حتی ما، جدای از هم به مدرسه رفت و آمد می‌کردیم. جالب اینجاست که پس از انقلاب، نصیری را که سالها سایه شوم او و همکارانش بر سر ما سنگینی می‌کرد، روی سقف همان مدرسه تیرباران کردند.

فعالیت ایشان در ارتباط با مدرسه رفاه یعنی مجمع انقلابیون، در چه زمینه‌هایی بود؟

ایشان در آنجا هم به شکلی دقیق آینده نگری و برنامه ریزی می‌کردند، از جمله اینکه برای والدین دانش‌آموزانی که در مدرسه رفاه تحصیل می‌کردند، جلساتی گذاشتند و معتقد بودند که اگر ما این جلسات را تشکیل ندهیم و خانواده‌ها را با خود همراه نکنیم، کارهایمان اثری ندارند و آنها آنچه را که ما در مدرسه به کودکانمان یاد می‌دهیم، در خانه برعکس عمل می‌کنند.

شهید بهشتی به چه چیزهایی بیش از همه علاقه داشتند؟ به دو چیز، یکی فهمیدن و دیگری در خدمت مردم بودن. ایشان یک بار به من فرمودند، «عشق من فلسفه است، ولی خدمت به اسلام، مرا از این عشق بازداشته است.» بسیار علاقه داشتند همه مسائل فلسفی را درک کنند. ایشان یک فیلسوف متفکر بودند و در فهم اسلام می‌کوشیدند و می‌خواستند اسلام را آنگونه که هست

شهید بهشتی پیوسته به فکر آموزش نسل جوان بودند. در آن زمان، کشور ده میلیون دانش آموز داشت و شهید بهشتی با ذکاوت و هوشمندی خاصی توانستند در بخش تألیف کتب درسی دینی نفوذ کنند و با ترویج باورهای دینی صحیح، زمینه‌های فکری انقلاب را در میان دانش‌آموزان به وجود آورند. شهید بهشتی اعتقاد داشتند که برای اصلاح جامعه، باید از نسل نوجوان و جوان شروع کرد. در آن زمان افراد دیگری هم در قالب‌های جدید، به نشر معارف دینی می‌پرداختند، از جمله انتشار مجله مکتب اسلام بود که در میان بسیاری از مؤمنین جایگاه شایسته‌ای را احراز کرده بود. البته هیچ اقدامی نمی‌توانست به اندازه فعالیت در آموزش و پرورش، تأثیرگذار باشد.

تأسیس مدرسه رفاه نیز از اقدامات بنیادین شهید بهشتی بود. شما جزو هیئت امنای آن مدرسه بودید. نحوه تشکیل این مدرسه و تأثیر آن در مبارزات چه بود؟

شهید بهشتی پیوسته به فکر آموزش نسل جوان بودند. در آن زمان، کشور ده میلیون دانش آموز داشت و شهید بهشتی با ذکاوت و هوشمندی خاصی توانستند در بخش تألیف کتب درسی دینی نفوذ کنند و با ترویج باورهای دینی صحیح، زمینه‌های فکری انقلاب را در میان دانش‌آموزان به وجود آورند



سابقه آشنایی شما با شهید بهشتی به چه سالهایی برمی‌گردد؟ در سال که امام مخالفت خود را با انجمنهای ایالتی و ولایتی اعلام کردند، از طریق شهید امانی وارد جریانات انقلابی شدم و در جلساتی که برای آموزش نیروهای مبارز، به شکل سیار در منازل تشکیل می‌شدند با شهید بهشتی آشنا شدم. ایشان تصمیم گرفتند جلسات خصوصی تری را هم تشکیل بدهند که خانواده‌های مبارزین در آنها شرکت کنند، زیرا بدون مساعدت همسران مبارزین، فعالیت مردان را کامل و ثمربخش نمی‌دیدند و معتقد بودند که زنان هم باید به مسائل سیاسی آگاهی پیدا کنند تا همراه و همسنگر مردان باشند. به این ترتیب، یکی از نزدیکان ایشان در کمال آباد کرج باغی را خرید و هر جمعه، گروهی از انقلابیون از جمله شهید باهنر، آقایان انوری و عسکری و هاشمی رفسنجانی و شهید رجایی، همراه با خانواده‌هایشان به آنجا می‌رفتند و با هم گفت‌وگو می‌کردند. این جلسات در مسیر نهضت، بسیار مؤثر بودند. در آنجا بحث‌های سیاسی و اخبار مطرح و برای مبارزه برنامه‌ریزی می‌شد. پس از انقلاب، جلسات جامعه روحانیت در این باغ تشکیل می‌شد و آخرین جلسه آن قبل از فاجعه هفت تیر بود. در باغ کمال آباد، حتی برای بچه‌ها هم وسایل تفریحی در نظر گرفته شده بود. این جلسات از نظر تشکیلاتی و تربیتی، بسیار مؤثر بودند. یکی از مهم‌ترین اقدامات شهید بهشتی در دوران قبل از انقلاب، تدوین کتابهای دینی درسی بود. با توجه به این که دستیابی یک روحانی به چنین موقعیتی در آن دوران، کار ساده‌ای نبود، ایشان چگونه توانستند در این امر موفق شوند؟

آقای بهشتی چندین سال برای رسیدن به این موقعیت تلاش کردند. اما موفق نمی‌شدند تا وقتی که آقای برقی از اعضای دفتر نشر فرهنگ اسلامی که با وزیر آموزش و پرورش آن زمان رابطه داشت، توانست مسئولین وزارتخانه را قانع کند که این اقدام به ضرر رژیم تمام نمی‌شود و قرار است که در کتابهای درسی دینی، فقط یک سلسله مسائل اخلاقی و دینی طرح شوند. روزی من و شهید باهنر در دفتر نشر فرهنگ اسلامی نشسته بودیم که شهید بهشتی آمدند و مژده دادند که از امروز ده میلیون مخاطب پیدا کرده‌ایم.